



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۸/۰۶/۱۸

دوکتور نوراحمد خالدي

بررسی مسئله خط دیورند

نظر به ارزش موضوع خط دیورند و اقدامات گوناگون پاکستان در منطقه، یکبار دیگر این مضمون آموزنده و تحقیقی را خدمت هموطنان محترم پیشکش می نمایم.

پیشگفتار:

در این اواخر مسئله خط دیورند دوباره هم در پاکستان و هم در افغانستان سر زبانها افتاد. اخیرا دولت پاکستان تصمیم گرفته مناطق قبایلی را ضمیمه ایالت خیبر پختونخوا، که از زمان هند برطانوی تا سالهای اخیر ایالت شمال غربی نام داشت، نموده و بدین طریق مناطق مذکور را رسماً ضمیمه خاک پاکستان نماید. پارلمان پاکستان اخیراً یک لایحه را تصویب کرد که طبق آن مناطق قبایلی آنطرف خط دیورند با ایالت خیبر پختونخوا منضم می شود. فاتا FATA یا فدرالی ادمنسترد تراپیل ایریاز (مناطق قبایلی) در حقیقت مناطقی اند که بر اساس معاهده دیورند اداره امور امنیتی و اداری آنها دولت هند برطانوی به عهده گرفت بدون آنکه شامل قلمروهای هند برطانوی گردند. بعد از ایجاد پاکستان این مناطق از نظر حقوقی خارج قلمرو رسمی ایالات متشکله پاکستان (ایالات شامل قلمروهای هند برطانوی سابقه) باقیماندند چون پاکستان تنها وارث قلمروهای مربوطه هند برطانوی گردید اما اداره این مناطق توسط دولت فدرال پاکستان مانند زمان استعمار بریتانیا همچنان ادامه یافت.

در آنطرف خط دیورند اعضای حزب جمعیت علمای اسلام به رهبری مولانا فضل الرحمن و حزب پشتونخوا ملی عوامی به رهبری محمود خان اچکزی از اشتراک در نشست پارلمان پاکستان خود داری کردند. وزارت سرحدات اقوام و قبایل افغانستان انضمام مناطق قبایل به ایالت خیبر پختونخوا پاکستان را اقدام یکجانبه خوانده رد کرد. طبق اخبار نشر شده معین وزارت اقوام و قبایل افغانستان به رادیو آزادی گفت که اسلام آباد در این اقدام خود نظر مردم قبایل را نگرفته و ضمن تلاش های خود برای به رسمیت شناسی خط دیورند گام برداشته است. محمد یعقوب احمدزی شب گذشته به رادیو آزادی گفت که اسلام آباد باید در مورد سرنوشت قبایل طبق پروتوکول با حکومت افغانستان مشوره می کرد. موصوف اظهار داشت "موقف ما این است که به اقوام و قبایل حق داده شود. این اقوام نمی خواهند که سیستم خود را با پختونخوا شریک سازند، یا به مناطق ایشان اردو یا پولیس بیاید. آنها می خواهند که با سیستم سابق خود که قبایل آزاد اند آزادی خود را حفظ کنند".

یکبار دیگر نظریات متضاد در باره خط دیورند و موقف امروزی آن موضوع داغ تفسیر های سیاسی رسانه ها در افغانستان گردید. در این مقاله کوشش بعمل می آید برای روشنی اذهان عامه موضوع برویت اسناد بصورت عینی مورد بررسی قرار بگیرد.

برخی از برداشتها و سوالاتی را که در مورد معاهده دیورند دوستان فیسوکی طرح کرده اند چنین میتوان جمع بندی کرد:

- در زمان حکمرانی عبدالرحمن خان، افغانستان یک کشور آزاد و مستقل نبود. آیا حکام یک کشور اشغال شده صلاحیت قانونی امضای قرارداد مانند موافقتنامه خط دیورند را دارند؟

- آیا این ادعا که هدف معاهده دیورند در زمان انعقاد تعیین خط سرحدی میان افغانستان و هند برطانوی بوده و با ایجاد دولت پاکستان به مثابه وارث قلمروهای هند برطانوی در غرب نیمقاره هند خط دیورند اکنون سرحد شناخته شده بین المللی پاکستان و افغانستان را تشکیل میدهد درست است؟.

- در تلویزیونها اسنادی را نشان داده اند که گویا زمامداران پشتون بشمول امان الله خان خط دیورند را برسمیت شناخته اند، شما در این مورد چه نظر و اسناد میتوانید ارایه کنید ؟

- آیا ادعای احمد سعیدی درست است که گویا مطابق به مواد ۶۹ و ماده ۷۴ منشور سازمان ملل متحد معاهده دیورند تابع زمان است و چون بیش از صد سال از آن گذشته یک موضوع حل شده میباشد؟ⁱⁱ

- بر عکس فوق، آیا ادعای کسانی که میگویند معاهده دیورند بعد از صد سال قابل تجدید نظر است درست است؟

- موقف رسمی و غیر رسمی دولت افغانستان در مورد خط دیورند چیست؟

- موقف پاکستان، رسمی و غیر رسمی، در مورد خط دیورند چیست؟

- هرگاه اختلاف افغانستان و پاکستان بالای خط دیورند به یک حکمیت بین المللی ارجاع شود آیا شانس پیروزی موقف افغانستان موجود است؟

- آیا به رسمیت شناختن خط دیورند میتواند تضمین کننده توقف مداخله پاکستان در افغانستان باشد؟

- آیا با به رسمیت شناختن خط دیورند وسیله یک فشار بر دولت پاکستان را از دست خواهیم داد؟

- آیا طرح کنندگان موضوع خط دیورند، واقعا به این عقیده اند که به رسمیت شناختن این خط حلال مشکلات موجود در کشور است؟ و یا اینکه در زیرکانه آنها نیم کاسه قرار دارد؟

- آیا "فتوای حقوقی"، ساخته آقای غلام محمد محمدی، شخصیت تنظیمی شورای نظار، در مورد خط فرضی دیورند، که به نفع پاکستان صادر نمودند، به مثابه "خیانت ملی" تلقی نمیگردد؟

- موضوع معاهده خط دیورند با مسئله شناخت حق مردمان پشتون و بلوچ آنطرف خط دیورند در تعیین سر نوشت شان چه ارتباط دارد؟

- آیا پشتون های پاکستانی خواهان متصرف شدن سرزمین شان توسط افغانستان هستند؟

- یکتعداد پشتونهای آنطرف خط دیورند از موقف پاکستان در موضوع حمایت میکنند شما در این مورد چه میگویید؟

- آیا بخاطر عقد معاهده دیورند میتوان امیر عبدالرحمان خان را وطن فروش نامید؟

در اینجا هدف از بررسی موضوع **معاهده خط دیورند** دانستن بهتر خود معاهده دیورند و موقف موجوده آن است. در این مقاله کوشش می‌گردد تا جای امکان به سوالات فوق برویت اسناد معتبر پاسخ داده شود.

سابقه تاریخی:

وقتی مونتستیوارت الفونستون به عنوان نماینده سیاسی استعمارگران انگلیسی در سال 1809م بدربار شاه شجاع پادشاه افغانستان در پایتخت زمستانی او در پشاور مشرف شد تا یک معاهده اتحاد بر ضد تجاوز احتمالی ناپلیون با موصوف امضا کند قلمروهای سلطنت کابل تا کشمیر، پنجاب و سند امتداد داشت (الفونستون، گزارش سلطنت کابل و ملحقات آن در هندوستان، تارتاری و فارس)ⁱⁱⁱ. در آن زمان دولت افغانستان یک تهدید بالقوه در برابر گسترش سلطه استعماری بریتانیا در نیمقاره هندوستان محسوب می‌گردید. قابل یادآوری است که مهاراجه های هندوستان در سالهای اخیر قرن هژدهم از زمانشاه پادشاه افغانستان طلب کمک کرده بودند و حاضر شده بودند مصارف قوای افغانی را برای بیرون راندن انگلیسها از هندوستان بپردازند (مراجعه شود به کتاب محمود محمود، تاریخ روابط سیاسی انگلیس و ایران در قرم ۱۹، چاپ تهران). از این جهت انگلیسها برای تضعیف دولت افغانستان با رنجیت سنگ در پنجاب همکاری نمودند تا رنجیت سنگ یک دیوار باشد تا افغانها نتوانند به مردم هند در مقابل انگلیسها کمک نمایند. موجودیت چنین یک دیوار به انگلیسها موقع داد تا اول تمامی مناطق هند جنوبی را در تحت کنترل آورده پس از آن دیوار رنجیت سنگ را که هر دو طرف دشمن درانتظارش بودند ازبین برده خود در مقابل یک دولت ضعیف شده در کابل قرار بگیرند.

بر این اساس از سال 1818م به بعد اول در نتیجه تجاوزات مسلحانه رنجیت سنگ (1818-1838 م)^{iv} و متعاقباً تجاوزات انگلیسها طی جنگهای متعدد منجمله جنگ اول افغان و انگلیس (1838-1842م) و جنگ دوم افغان و انگلیس (1879-1882م) مناطق و قلمروهای دولت افغانستان در دو طرف دریای سند از طریق جنگ و تحمیل معاهدات استعماری (معاهده جمرود 1855م در زمان امیردوست محمد خان^v و متعاقباً معاهده گندمک 1879 م با امیر محمد یعقوب خان^{vi}) از پیکر افغانستان جدا گردیدند. (به این ارتباط لازم به یادآوری است که معاهده سه جانبه 26 جون سال 1838م شاه شجاع با رنجیت سنگ و انگلیسها در لاهور و توافق او در واگذاری قلمروهای متبوعه افغانستان در پنجاب به رنجیت سنگ فاقد اعتبار است زیرا موصوف در آن زمان امیر و یا شاه برحال افغانستان نبود و این توافق را به عنوان زعیم خانواده سدوزایی عقد کرده بود نه پادشاه افغانستان.^{vii})

عقد معاهده دیورند:

۳-۱ دلایل عقد معاهده دیورند:

بعد از ختم جنگهای دوم افغان و انگلیس در سال 1882م مناطق زیادی از چترال در شمال تا چمن در جنوب در دست قوای متجاوز انگلیس قرار داشت که خارج از حدود قلمروهای رسمی هند برطانوی بودند. از انجاییکه حوزه های نفوذ دولت های افغانستان و هند برطانوی در مناطق سرحدی واضح نبودند برای جلوگیری از بروز اختلافات میان جانبین معاهده دیورند در دوازدهم نوامبر سال 1893 م میان امیر عبدالرحمن خان و سر هنری مورتمبر دیورند (Sir Mortimer Durand) وزیر خارجه دولت هند برطانوی در کابل به امضا رسید. در

آن زمان مطابق به معاهده تحمیلی استعماری سال 1879 گندمک افغانستان در اجرای امور سیاست خارجی خود وابسته به هند برطانوی بود.

۲-۳ هدف عقد معاهده دیورند:

معاهده دیورند حوزه های نفوذ دو دولت را بالای قبایلی که در غرب دریای سند از چترال تا بلوچستان زندگی میکردند تعیین میکند. این مناطق از یکطرف در نتیجه تجاوزات رنجیت سنگ و انگلیسها از حیطة نفوذ دولت افغانستان خارج گردیده بود اما در عین زمان از لحاظ اداری رسماً شامل قلمروهای هند برطانوی (1935 م) نیز نبودند. ایالت سرحدی شمالغرب در سال 1849م ایجاد گردید و بر اساس معاهده دیورند مناطق آزاد قبایلی (چترال، سوات، دیر، باجور، خیبر، کرم وزیرستان) که بدون سرنوشت بودند از سال 1893م به بعد به مثابه مناطق حایل میان قلمروهای هند برطانوی و قلمروهای دولت افغانستان تحت نفوذ امنیتی هند برطانوی قرار گرفتند بدون آنکه از لحاظ اداری رسماً شامل قلمروهای هند برطانوی گردند.

سوال اساسی اینجا است که آیا خط دیورند سرحد رسمی بین المللی میان افغانستان و پاکستان است؟ برویت اسناد از خود منابع انگلیسی بخصوص با تایید شخص دیورند هدف معاهده دیورند تعیین خط سرحدی میان افغانستان و هند برطانوی نبوده بلکه هدف آن تعیین حدود نفوذ این دو بالای اقوام ساکن مناطق قبایلی غرب دریای سند بود که تا امروز اکثر این مناطق بنام مناطق آزاد قبایلی یاد میگردند. مهمتر از همه اینکه شخص خود سر هنری مورتمر دیورند که در سال 1893 وزیر خارجه دولت هند برطانوی بود و معاهده دیورند را با امیر عبدالرحمن خان امضا کرد و معاهده بنام او معروف است این نظر را تایید میکند، دیورند در یک مصاحبه در سال 1897 با ایشیاتیک کوارترلی جورنال می گوید: "اقوامی را که در طرف هندوستان واقع شده اند نباید در محدوده قلمرو دولت هند برطانوی قلمداد کنیم. آنها صرفاً، تا جاییکه به امیر مربوط است، در زیر نفوذ ما به معنی تخنیکی کلمه قرار دارند، آنهم تا جاییکه خودشان به این نفوذ تن در دهند و یا ما این نفوذ را تحمیل کنیم".^{viii} همچنان دایره المعارف بریتانیکا مینویسد که "معاهده سال 1893 دیورند مناطق نفوذ دولت هند برتانوی و دولت افغانستان را برای تطبیق قانون مشخص میکند و هرگز به عنوان یک سرحد بین المللی بطور دیجوره مد نظر نبوده است".^{ix}

۳-۳ مدت اعتبار معاهده دیورند:

بر اساس تعامل دولت انگلستان، معاهدات با امیران افغانستان معاهدات شخصی با امیر مربوطه از طرف دولت هند برطانوی پنداشته شده و با مرگ امیر و یا عزل او این معاهدات از اعتبار خارج بودند. برای همین منظور اگر دولت هند برتانوی تمدید میعاد معاهده را مطابق به منافع خود میدید ناگزیر به تعهد رسمی امیر جدید نیاز داشت. به همین دلیل بعد از وفات امیر عبدالرحمان خان انگلیسها تعهد امیر حبیب الله خان را برای تمدید اعتبار معاهده دیورند در سال 1905م گرفتند و بعد از کشته شدن او توافق امیر امان الله خان را در مورد ادامه اعتبار معاهده دیورند در معاهده هشتم آگست سال 1919م راولپندی بدست آورده اعلان کردند که با استقلال کامل افغانستان در امور خارجی خود تمام معاهدات قبلی با امیران افغانستان منسوخ و از اعتبار خارج میگردند. طوریکه گفته شد بعد از وفات امیر عبدالرحمان خان پسر او امیر حبیب اله خان در سال 1905م تعهد پدر خود را در مورد معاهده دیورند تأیید میکند. در معاهده 1905 که توسط امیر حبیب اله خان امضا شد "ادامه"

معاهدات میان **امیر عبد الرحمان خان** و دولت هند برطانوی^۱ تأیید شده و در پاراگراف دوم گفته میشود که "من مطابق به این معاهدات عمل کرده ام، عمل میکنم، و عمل خواهم کرد و در هیچ معامله با آنها مخالفت نخواهم کرد."

متعاقب او دولت امیر امان الله خان تعهد امیر حبیب الهه خان به ارتباط خط دیورند را در معاهده آتش بس هشتم آگست سال 1919م راولپندی دوباره تأیید کرد. اما برویت مکتوب سر الفرد همیلتون گرانت وزیر خارجه دولت هند برطانوی و رییس هیأت انگلیس^۲ که به حیث ضمیمه دوم معاهده رسماً عنوانی علی احمد خان رییس هیأت افغانی^۳ نوشته شده تمام معاهدات قبلی امیران افغانستان با دولت هند برطانوی فسخ شده اعلان گردیدند.

۳-۴ موافقتنامه 8 اگست سال 1919 راولپندی:

معاهده راولپندی در ذات خود یک معاهده موقتی آتش بس بود و قرار بود بعداً به امضای یک معاهده دوستی میان دوطرف در کابل به انجامد. بعد از توافق بالای متن معاهده راولپندی رییس هیأت افغانی علی احمد خان اعتراض میکند که در مسوده معاهده هیچ اشاره به استقلال افغانستان نشده است. در مقابل سر الفرد همیلتون گرانت گرانت وزیر خارجه دولت هند برطانوی و رییس هیأت انگلیسی در مکتوبی عنوانی علی احمد خان رییس هیأت افغانی که به حیث ضمیمه شماره دوم رسماً به معاهده اضافه شد مواد آتی را تأیید میکند که با امضاء **معاهده آتش بس راولپندی در 8 اگست سال 1919:**

- انگلستان آزادی افغانستان را در اجرای امور داخلی و خارجی خود برسمیت شناخته؛
- سبسی یا کمک پولی دولت انگلستان به افغانستان خاتمه یافته؛
- تمام معاهدات قبلی امیران افغانستان با دولت هند برطانوی فسخ شده اعلان گردیدند؛ و
- واردات اسلحه توسط افغانستان از طریق هندوستان ممنوع اعلان شد.

سر الفرد همیلتون گرانت (Foreign Secretary of the Government of India 1914- Sir Alfred Hamilton Grant 1919) وزیر خارجه دولت هند برطانوی رییس هیأت انگلیسی در مذاکرات صلح راولپندی بود و ریاست هیأت افغانستان را **علی احمد خان** (پسر کاکای امان الهه خان) به عهده داشتند. یکتعداد نویسنده گان منجمه لویی دوپری معتقد اند که **گرانت** به عنوان یک دیپلمات کارگشته قادر شد از علی احمد خان امتیازات بگیرد. . بخصوص پشتونهای مناطق غرب دریای سند با این توافق راضی نبودند. حتی گفته میشود که امان الهه خان با مفاد این توافق کاملاً خوشنود نبود و علی احمد خان را از وظیفه اش برکنار کرد و از خسر خود محمود طرزی خواست تا منبع ریاست مذاکرات با انگلیسها را بگیرد. **علی احمد خان سرنوشت نافرجامی دارد و به امرامیر حبیب الهه کلکانی در سال 1929 در کابل به توپ پرانده و اعدام شد.**

در ماده پنج موافقتنامه راولپندی معاهده دیورند "طوریکه از جانب امیر متوفی قبول شده بود" باز هم تأیید میگردد. (Historical Dictionary of Afghanistan, p 465, Ludwig W. Adamec.):

باید بخاطر آورد که معاهده راولپندی زیر تهدیدهای شدید دولت هند برطانوی به امضای رسید. **تهدیدهای انگلستان در مذاکرات راولپندی شامل اقدامات آتی بود:**

- اشغال جلال آباد؛
- ادامه کنترل سیاست خارجی توسط برطانیه؛

- قطع راههای تجارتی افغانستان؛ و
- قبولی برطانیه به مثابه دولت برتر و ترجیحی در تمام روابط خارجی.

۳-۵ کنفرانس میسوری هند 17 اپریل تا 18 جولای 1920

معاهده راولپندی در ذات خود یک معاهده موقتی آتش بس بود و تمام مسایل مورد اختلاف جانبین را نتوانست محتوا نماید. در حقیقت برای رسیدگی به این مسایل یک کنفرانس در میسور میان نماینده گان دولت افغانستان، بریاست محمود طرزی وزیر خارجه و خسر امان اله خان، و دولت هند برطانوی دایر شد که بکدام نتیجه نرسید. قبایل آنطرف خط دیورند معاهده اگست سال 1919 را به مثابه یک معاهده آتش بس نگریسته و انتظار داشتند هرگاه انگلیسها به تقاضاهای دولت افغانستان گردن ندهد جنگ دوباره آغاز شود. در حقیقت برای رسیدگی به این تقاضاها یک کنفرانس در میسور میان نماینده گان دولت افغانستان، بریاست محمود طرزی وزیر خارجه و خسر امان اله خان، و دولت هند برطانوی دایر شد که بکدام نتیجه نرسید.

۳-۶ معاهده سال 1921م کابل میان دولتهای انگلستان و افغانستان:

معاهده 22 نوامبر سال 1921 میان دولتهای انگلستان و افغانستان (Anglo-Afghan Treaty^{xii} of 1921) اولین معاهده ایست که میان دولت افغانستان و دولت برطانیه انعقاد مییابد. تمام معاهدات قبلی میان دولت هند برطانوی و امیران افغانستان منعقد میگردید نه با دولت افغانستان و از همین لحاظ از جانب انگلستان این ها معاهدات شخصی با امیران افغانستان تلقی شده و با عزل یا مرگ امیران منتفی تلقی میگردیدند. هدف انگلیسها از این پالیسی آن بود که خود را مقید به هیچ معامله قبلی ندانسته با رویکار آمدن هر امیر جدید نظر به تقاضای وقت امتیازات بیشتری کسب کنند.

ماده دوم معاهده سال 1921 کابل تعهد ماده پنجم معاهده راولپندی را در مورد خط دیورند تأیید مینماید. اما مطابق به ماده چهاردهم، معاهده مذکور موقتی بوده صرف برای سه سال اعتبار داشت و طرفین با اطلاع قبلی یکساله میتوانند آنرا ملغی اعلان کنند. ^{xiii} بر همین اساس در ماه جون سال ۱۹۲۵م لارڈ بیرکنهد وزیر مستعمرات بریتانیا (Lord Birkenhead in a memorandum circulated in June 1925) بعد از ختم سه سال از معاهده ۱۹۲۱م کابل طی یک یادداشت رسمی به پارلمان انگلستان تأیید میکند که "این معاهده برای سه سال اعتبار داشت و اکنون بعد از گذشت سه سال این معاهده از جانب طرفین با ارائه یکسال یادداشت قبلی قابل فسخ میباشد" ^{xiv}.

۳-۷ آیا معاهده دیورند هنوز هم مورد اعتبار است؟

قبلاً توضیح گردید که معاهده دیورند با وفات امیر عبدالرحمان خان از اعتبار افتاد و زیر فشار انگلیسها امیر حبیب الله خان ناگزیر به تعهد اعتبار آن در سال ۱۹۰۵م گردید که با مرگ وی این تعهد در سال ۱۹۱۹م نیز از اعتبار ساقط میشود و انگلیسها تمدید اعتبار آنرا در توافق آتش بس ۸ اگست ۱۹۱۹م راولپندی میگزجانند. متعاقباً معاهده موقت سه ساله ۱۹۲۱ کابل جانشین معاهده راولپندی میگردد. دولتهای بریتانیا و افغانستان تا سال 1949م به تطبیق معاهده سال 1921م کابل وفادار باقی بودند تا اینکه بعد از ایجاد دولت پاکستان و بخصوص در اعتراض به بمباران قسمتهایی از ولایت پکتیا توسط پاکستان، دولت افغانستان در لویه جرگه سال 1949م

دولت افغانستان تمام معاهدات با دولت هند برطانوی را ملغی اعلام کرد. در همان وقت نماینده افغانستان کوشید تا موضوع در شورای امنیت ملل متحد مطرح گردد اما با مخالفت امریکا از طرح آن جلوگیری شد. بنابر آن با تطبیق ماده چهاردهم معاهده سال ۱۹۲۱ کابل دولت افغانستان این معاهده را ملغی اعلان نموده و بر این اساس میعاد اعتبار معاهده دیورند و توافقه‌های مربوطه بعدی خاتمه مییابد.

ادعای احمد سعیدی که گویا مطابق به مواد ۶۹ و ماده ۷۴ منشور سازمان ملل متحد معاهده دیورند تابع زمان است و چون بیش از صد سال از آن گذشته یک موضوع حل شده مییابد یک ادعای کاملاً غلط و بی بنیاد است. در مواد مذکور و هیچ ماده و بخش دیگر منشور سازمان ملل متحد آن چه که آقای احمد سعیدی در مورد میعاد معاهدات بین المللی ادعا میکند وجود ندارد. آقای سعیدی این مواد را شخصاً نخوانده و یا اینکه از دیگران اشتباه شنیده است. ماده ۶۹ تا به ماده ۷۲ منشور سازمان ملل متحد به فصل دهم تعلق دارند که مربوط به شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد میشود.^{xv} ماده ۷۴ هم به موضوع میعاد معاهدات ارتباط ندارد.^{xvi}

آنچه را که میتوان در نظر گرفت کنوانسیون ۱۹۶۹ ملل متحد منعقد و وینا مربوط معاهدات مییابد (VCLT - (United Nations (1969) 'Vienna Convention of Law of Treaties', Treaty Series - که ماده ۴۵ آن معاهدات منعقد بعد از سال ۱۹۶۹ را تابع زمان مینمایند. این کنوانسیون به ماقبل خود رجعت نمیکند بنابر آن بالای معاهده دیورند و معاهده سال ۱۹۲۱ کابل قابل تطبیق نیست.^{xvii}

پایان قسمت اول

یادداشتها و مأخذ

ⁱ Federally Administered Tribal Areas(FATA)

ⁱⁱ CHAPTER X: THE ECONOMIC AND SOCIAL COUNCIL -Article 69: The Economic and Social Council shall invite any Member of the United Nations to participate, without vote, in its deliberations on any matter of particular concern to that Member.

CHAPTER XI: DECLARATION REGARDING NON-SELF-GOVERNING TERRITORIES Article 74
Members of the United Nations also agree that their policy in respect of the territories to which this Chapter applies, no less than in respect of their metropolitan areas, must be based on the general principle of good-neighbourliness, due account being taken of the interests and well-being of the rest of the world, in social, economic, and commercial matters.

iii مونته‌ستيوارت الفونستون، گذارش سلطنت کابل و ملحقات آن در هندوستان، تارتاری و فارس.

iv رنجیت را در عقب انگلیسها همکاری نمود تا یک دیوار باشد تا افغانها نتوانند به مردم هند در مقابل انگلیسها کمک نمایند. مهاراجه های هندوستان در سالهای اخیر قرن هژدهم از زمانشاه پادشاه افغانستان طلب کمک کرده بودند. دلیل آن این بود که انگلیسها موقع یابد تا اول تمامی مناطق هند جنوبی را در تحت کنترل آورده پس از آن دیوار رنجیت سنگ را که هردو طرف دشمن درانتظارش است از بین خواهد برد؛ و انگلیسها همین عمل را اجرا کردند. زمانیکه رنجیت فوت نمود. انگلیسها اولاً دولت افغان را ضعیف ساختند پس از آن بالای پنجاب حمله نموده توسط معاهده جمرود با امیر دوست محمد خان پنجاب را از خاک افغان جدا کردند. سپس مناطق پشتونخواه امروزی را توسط معاهده دیورند در ۱۸۹۳ از خاک افغانستان جدا کردند.

v در زمان دوست‌محمدخان، ولیعهد او غلام حیدر خان در تاریخ ۳۰ مارچ ۱۸۵۵، معاهده‌ای که به **معاهده جمرود** شناخته شده‌است را با سر جان لارنس، گورنر جنرال پنجاب امضا نمود و باعث شد مناطق ولایات سواحل راست سند و بلوچستان رسماً به انگلیسها تسلیم گردیدماده‌هایی از معاهده که منجر به جدایی مناطق ولایات سواحل راست سند و بلوچستان از افغانستان شد.

• ماده اول: مابین آنریبل ایست اندیا کمپنی و جناب امیر دوست محمد خان والی کابل و آن ممالک افغانستان که در قبضه او می‌باشد، و ورثای امیر مذکور صلح و دوستی دوامی خواهد بود. — میر غلام محمد غبار، *افغانستان در مسیر تاریخ*، چاپ چهارم ۱۳۶۸، ص ۵۱۳-۵۱۴

• ماده دوم: آنریبل ایست کمپنی معاهده می‌نماید که احترام آن علاقه جات افغانستان را که حالا در تصرف امیر مذکور می‌باشند، بکنند و ابداً در آن‌ها مداخله ننمایند. — میر غلام محمد غبار، *افغانستان در مسیر تاریخ*، چاپ چهارم ۱۳۶۸، ص ۵۱۳-۵۱۴

• ماده سوم: جناب امیر دوست محمد خان والی کابل و آن علاقه جات افغانستان که حالا در قبضه او می‌باشند، عهد می‌نماید از طرف خود و از طرف ورثای خود علاقه جات آنریبل ایست کمپنی را احترام نماید و ابداً در آن‌ها مداخله ننمایند، و با دوستان آنریبل ایست اندیا کمپانی دوست باشند و با دشمنان کمپانی مذکور دشمن باشند. — میر غلام محمد غبار، *افغانستان در مسیر تاریخ*، چاپ چهارم ۱۳۶۸، ص ۵۱۳-۵۱۴

vi بعد از اشغال جلال آباد، کابل و قندهار توسط قوای انگلیسی در سال م استعمارگران انگلیسی معاهده معروف به گندمک را بالای امیر محمد یعقوب خان که بعد از وفات پدرش امیر شیرعلی خان جانشین او شده بود تحمیل کردند. بر اساس این معاهده ده ماده‌ای **معاهده گندمک** که سر لوئیس کیوناری، نماینده سیاسی انگلیس آنرا بالای یعقوب خان تحمیل کرده بود، انگلیسها علاقه کرم تا ابتدای جاجی، دره خیبر تا کناره شرقی هفت چاه، لندی کوتل و سیبی و پشین را تا کوه کوژک غضب نموده استقلال افغانستان را در امور خارجی نیز بدست گرفتند.

vii شاه شجاع در توافق‌نامه ۱۸ ماده‌ای، سه جانبه لاهور که در تاریخ ۲۶ جون ۱۸۳۸ میان ایشان، رنجیت سنگ پادشاه پنجاب، مکتان نماینده حاکم بریتانیایی هند امضا شده بود، تجزیه و جدا شدن سرزمین‌های جنوبی و غربی افغانستان را قبول کرد ماده‌هایی از این توافق‌نامه که منجر به تجزیه افغانستان شد: ماده اول: تمام نقاط و علاقه جات که در دوطرف رود سند واقع و جزء علاقه کشمیر تا حدود شرقی و غربی و شمال و جنوبی اتک و توابع پشاور و بوسفرایی و کوهات و سایر توابع پشاور تاحد خیبر و وزیری و تانک و کرانک و کاله باغ و دیره اسماعیل و توابع آن و علاقه جلت ملتان و تمام ملحقات آن را خانواده سدوزایی به ملکیت و حاکمیت «رنجیت سنگ پاد شاه سیکها» تصدیق کرده و خانواده سدوزایی نسل بعد نسل و بطناً بعد بطن هیچگونه ادعایی به نقاط مذکور و ممالک موصوفه نخواهد داشت و ممالک مذکور متعلق به «رنجیت سنگ» و خانواده اونسلاً بعد نسل و بطناً بعد بطن خواهد بود.

viii In an interview with Durand quoted by Leitner, G. W. (1897) 'The Amir, the Frontier Tribes and the Sultan', *The Asiatic Quarterly Review Series* 3, p.4, 237, quoted by Kakar, M. H. (2006) *A Political and Diplomatic History of Afghanistan, 1863-1901*, London: Brill, Omrani, B. and Ledwidge, F, *op. cit.*

ix The Durand Line of 1893 divided zones of responsibility for the maintenance of law and order between British India and the kingdom of Afghanistan; it was never intended as a de jure international boundary. Encyclopædia Britannica, inc., **Date Published:** December 07, 2016, URL: <https://www.britannica.com/place/Afghanistan/DustMohammad-1826-39-1843-63>, **Access Date:** April 02, 20).

x Sir Alfred Hamilton Grant Foreign Secretary of the Government of India 1914-1919

xi Ali Ahmad Khan, commissary for home affairs.

xii Also called "Treaty of Kabul" because it was negotiated and signed at Kabul by Henry R. C. Dobbs, the British envoy, and Mahmud Tarzi, chief of the Afghan delegation, after arduous, eleven month negotiations.

The treaty restored "friendly and commercial relations" between the two governments after the third Anglo-Afghan War and negotiations at the Mussoorie Conference and Rawalpindi.

The negotiations proceeded in four phases:

-
1. During the first session, January 20 to April 9, 1921, the Afghan Amir unsuccessfully demanded territorial concessions, while Britain wanted the exclusion of Russian consular offices from southeastern Afghanistan.
 2. In the second phase, from April 9 to mid-July, 1921, Britain asked Afghanistan to break the newly established diplomatic with Russia in exchange for a subsidy of 4 million rupee and weapons, as well as guarantees from unprovoked Russian aggression. (26 May 1921, Treaty between USSR and Afghanistan; diplomatic representatives exchanged.)
 3. When in the third stage, from mid-July to September 18, the British foreign office informed the Italian government that it was about to conclude an agreement which would, "admit the superior and predominant political influence of Britain" in Afghanistan, the Afghans refused to accept an "alliances." An exclusive treaty was impossible after Afghanistan announced ratification of the Russian-Afghan treaty of 1921.
 4. In the fourth and final stage of negotiations, from September 18 to December 8, 1921, the British mission twice made preparations to return to India, when finally an agreement was signed at Kabul on November 22, 1921. Ratifications were exchanged on February 6 of 1922.

In the treaty both government

- "mutually certify and respect each with regard to the other all rights of internal and external independence."
- Afghanistan reaffirmed its acceptance of the boundary west of the Khaibar, subject to minor "re-alignment."
- Legations were to be opened in London and Kabul, consulates established in various Indian and Afghan towns, and
- Afghanistan was permitted to import arms and munitions through India. No customs duties were to be charged for goods in transit to Afghanistan and
- each party agreed to inform the other of major military operations in the frontier belt.
- Representatives of both states were to meet in the near future to discuss conclusion of a trade convention, which was signed in June 1923.

[Source: *The A to Z of Afghan Wars, Revolutions and Insurgencies*, By Ludwig W. Adamec, pages 61-63. Scarecrow Press Inc, Maryland, 2005.]

xiii **Treaty of Kabul signed in 1921 was made for three years**

Not all pending anomalies were resolved and there remained yet more territorial disputes between the two Governments, along with other diplomatic issues of conflict. Therefore, this treaty included a clause which gave either of the "High Contracting Parties" the right to unilaterally denounce the Treaty after giving one year's notice. The treaty was made for three years in the first instance, and is now subject to denunciation by either party with 12 months' notice. As the Treaty was only a temporary arrangement and that the provisions of this treaty shall come into force from the date of its signature, and shall remain in force for three years from that date. In case neither of the High Contracting Parties should have notified 12 months before the expiration of the said three years the intention to terminate it, it shall remain binding until the expiration of one year from the day on which either of the High Contracting Parties shall have denounced it. (National Archives of India (1921) 'Texts of the Treaty of Kabul, 1921', Foreign Department, Sec. F, 147/78, pp.1469.)

xiv Lord Birkenhead in a memorandum circulated in June 1925 assessed the same when he mentioned that "the treaty was made for three years in the first instance, and is now subject to denunciation by either party with 12 months' notice." (Source: National Archives of UK (1925) 'Afghanistan', Record Type: Memorandum, 9 June, Reference: CAB, 24/173/88.)

xv ماده ۶۹: شوراي اقتصادي و اجتماعي از هر يك از اعضاي ملل متحد براي اشتراك در مذاكرات مربوط به هر موضوعي كه آن عضو به نحو خاصي در آن ذينفع است دعوت خواهد كرد بدون آنكه عضو مزبور حق راي داشته باشد. ماده ۷۳ تا به ماده ۷۴ شامل فصل يازدهم اند كه مربوط به «اعلاميه راجع به سرزمينهاي غير خودمختار» ميشود.

xvi ماده ۷۴: اعضاي سازمان ملل متحد همچنين موافقت مي كنند كه خط مشي آنها چه در سرزمينهاي مشمول مقررات اين فصل و چه در قلمر خاك اصلي خود آنها در امور اجتماعي، اقتصادي و تجارتي با رعايت ملاحظات لازم از حيث منافع و رفاه ساير نقاط جهان بر اساس اصل كلي حسن همجواري استوار باشد.

xvii Article 45(a) of the VCLT does not apply in the case of Treaty of Kabul and the dispute over it between Afghanistan and Pakistan. It applies to treaties entered into after 1969. Thus, the Treaty of Kabul is subject to International Laws independently and therefore, Afghanistan had never lost the legal right to denounce and repudiate the arrangements made under Treaty of Kabul, as per Article XIV of the Treaty.
Source: VCLT -United Nations (1969) 'Vienna Convention of Law of Treaties', *Treaty Series*, vol. 1155, p.331.
Available online at http://untreaty.un.org/ilc/texts/instruments/english/conventions/1_1_1969.pdf, accessed, 18 February 2013.

